



آشنایی با کتاب علی علیه السلام

محمد امین پورامینی

مقدمه

پاسخ به پرسش‌های زیر محورهای اصلی این نوشتار است:
 «مصحف علی علیه السلام چیست؟ «کتاب علی» چیست؟ آیا چنین کتابی وجود دارد؟ مطالب این کتاب چیست؟ «کتاب جامعه» و «کتاب جفر» چیست و آیا ارتباطی میان این دو و «کتاب علی علیه السلام» وجود دارد؟ «مصحف فاطمه علیها السلام» چیست؟ «صحیفه فرائض» چه صحیفه‌ای است؟ تفاوت «کتاب علی علیه السلام» و «مصحف فاطمه علیها السلام» در چیست؟ آیا ذکر «کتاب علی علیه السلام» مخصوص شیعه است یا اهل سنت هم بر این مطلب تصریح کرده و چنین کتابی را قبول دارند؟
 پیش از پاسخ به این پرسش‌ها باید مقدماتی را بیان کنیم:

۱. نویسندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی از کُتاب وحی و بلکه سرآمد کاتبان وحی است. می‌دانیم که عده‌ای در اطراف وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند که آیات قرآنی نازل شده را می‌نوشتند و از آنان با عنوان «کاتبان وحی» یاد شده است. در بین ایشان هیچ کدام به پایه حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نمی‌رسد؛ چون جدای از موقعیت ویژه ایشان، همیشه همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند و از زمان نزول اولین آیات تا پایان نزول قرآن کریم، همراه و همگام پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) بودند. علاوه بر آن، ایشان پس از نزول آخرین آیات، گردآوری نهایی قرآن کریم را انجام دادند و این قرآن، با ویژگی‌های کاتبش، دربردارنده نکات مهمی است که برای فهم آیات آن، بسیار کارساز است.

غاصبان خلافت، برای تصاحب کرسی خلافت، بشر را از گنجینه‌های بسیاری محروم کردند. یکی از این گنجینه‌ها قرآنی است که علی بن ابی طالب (علیه السلام) گرد آورد. ویژگی‌هایی در قرآن کتابت شده توسط امیرالمؤمنین وجود دارد که آن را ممتاز ساخته است. اگرچه آن قرآن، همین قرآن در دست ماست و باید بر این نکته تأکید کنیم و نباید بر شیعه بتازند و بگویند که شیعه به قرآن دیگری معتقد است، با این حال، مطالبی درباره فهم آیه‌های قرآن در آن آمده بود؛ مطالبی درباره شأن نزول و توضیح و تفسیر و تأویل آیه‌ها. متأسفانه امروز از این فیض و گنجینه بزرگ محروم شده‌ایم. آن قرآن وجود دارد و اکنون نزد حضرت امام زمان (علیه السلام) است.

عده‌ای در اطراف وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند که آیات قرآنی نازل شده را می‌نوشتند و از آنان با عنوان «کاتبان وحی» یاد شده است. در بین ایشان هیچ‌کدام به پایه حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نمی‌رسد؛ چون جدای از موقعیت ویژه ایشان، همیشه همراه رسول خدا بودند و از زمان نزول اولین آیات تا پایان نزول قرآن کریم، همراه و همگام پیامبر خاتم بودند.





حضرت امیر مؤمنان علیه السلام علاوه بر قرآن، «کتاب علی» را هم نوشتند که این کتاب را به طور مفصل بررسی خواهیم کرد. سومین کتاب نگارش یافته به دست آن حضرت، «مصحف فاطمه علیها السلام» است، که ناظر به وقایع آینده است. وهابی‌ها و وهابی‌مسلمانان تبلیغات دروغین بسیاری به راه انداخته‌اند که شیعه قرآن دیگری دارد که آن را مصحف فاطمه می‌نامند! در حالی که در روایات تصریح شده است که در مصحف فاطمه، حتی یک آیه از قرآن هم نیامده است. شایان ذکر است که در کتاب علی علیه السلام آیه‌هایی وجود دارد که برای استناد، استشهاد و توضیح مطلب آمده است؛ اما در مصحف فاطمه علیها السلام چنین نیست.

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن و جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

شیعه معتقد است که قرآن کریم به هیچ شکلی تحریف نشده؛ چه تحریف به افزایش و چه تحریف به کاهش. قول مشهور نیز این است که هیچ تحریفی واقع نشده است. مهم‌ترین دلیل، آیه شریفه **﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾** است. تأکیدهای فراوان این آیه روشنگر مطلب است؛ تأکیدهایی همچون جمله اسمیه بودن، ضمیر منفصل، تقدیم جار و مجرور و حرف لام در عبارت «لحافظون» و نیز تکرار «انّا».

تورات در سیر تدوین آن، تحریف شد. نسبت‌های ناروا به انبیا نمونه‌ای از تحریف تورات است.^۲ درباره انجیل هم مسیحیان تصریح کرده‌اند که انجیل پس از حضرت عیسی تدوین شده و از این رو به جای یک انجیل، اناجیل اربعه معروف است. انجیل پنجمی هم هست که به آن انجیل «برنابا» گفته‌اند و برخی مطالب آن به ما نزدیک است؛ همچون نفی تثلیث و تصریح بیشتر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. اسفار گردآوری شده هم از تحریف مصون نمانده و در نتیجه، آنچه به نام کتاب مقدس به مردم ارائه داده‌اند، نوشته‌هایی تحریف شده است. در انجیل‌های چهارگانه، تناقض و تعارض وجود دارد؛^۳ مثلاً نسب حضرت عیسی علیه السلام در اناجیل اربعه با یکدیگر همخوانی ندارد یا در انجیل متی میان داوود و عیسی را ۲۸ طبقه و پشت شمرده است^۴ و حال آن که در انجیل لوقا آن را به ۴۲ پشت رسانده است!^۵

از سوی دیگر، اسلام آخرین دین الهی است و پیغمبر ما آخرین پیامبر و معجزه جاویدان او قرآن. از این رو خداوند متعال با فرستادن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آن هم با حکم **﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ**

إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ ۗ» و «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۷ برنامه رسالت او را جهانی و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها اعلام فرمود. پیامبر ﷺ خود فرمودند: «ان الله بعث كل نبي كان قبلي إلى أمته بلسان قومه، و بعثني إلى كل أسود و أحمر بالعربية»^۸؛ خداوند تمام انبیای پیش از مرا برای اقوام خودشان و به زبان خودشان فرستاد و مرا برای هر سیاه و سرخی [یعنی برای همه] به زبان عربی فرستاد. شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «ان الله تبارک و تعالی أعطى محمداً شرائع نوح و إبراهيم و موسى و عيسى... و أرسله كافة إلى الأبيض و الأسود و الجن و الإنس»^۹؛ خداوند به محمد شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی داد... و او را برای همه مردم سیاه و سفید و جن و انس فرستاد. بخاری نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است: «اعطيت خمساً لم يعطهن أحد قبلي... و أعطيت الشفاعة و كان النبي يبعث إلى قومه خاصة و بعثت إلى الناس عامة»^{۱۰} پنج چیز به من داده شده است که پیش از من به هیچ کس داده نشده... و به من شفاعت داده شده است و پیامبران [پیش از من] تنها برای قوم خویش فرستاده می‌شده‌اند، ولی من برای همه مردم فرستاده شدم.

بنابراین، رسالت پیامبر اسلام برای همه بشر با هر رنگ پوستی و با هر گویشی و برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست. این ویژگی جهانی بودن را هیچ یک از پیغمبران پیشین نداشتند؛ حتی سایر پیغمبران اولوالعزم. دین هیچ یک از انبیا جهانی نبود؛ حتی دین حضرت موسی و حضرت عیسی علیه السلام.^{۱۱} پدران حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر دین ابراهیم می‌دانیم و این حقیقت، آشکار می‌کند که دین حضرت عیسی، ناسخ ادیان و شریعت‌های گذشته نبود. فقط رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که رسالتش جهانی و معجزه و کتابش جاودانی است؛ چون آن بزرگوار آخرین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند، باید هم کتابشان صحیح و دست‌نخورده و در دسترس بشر باشد، و این ضمانت الهی است که «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». این آیه مرجع سنجش و ارزیابی است و در روایات به ما دستور داده‌اند اگر روایتی دیدید که با قرآن همخوانی نداشت، آن را نپذیرد: «ما وافق كتاب الله و فخذوه و ما خالف فذروه»^{۱۲} آنچه که موافق با قرآن است اخذ کنید (و به آن عمل کنید) و آنچه که مخالف قرآن است رها کنید».

با توجه به این نکته‌هاست که بزرگان شیعه معتقدند قرآن دست‌نخورده است و معجزه‌ای است جاویدان.

بررسی نظر مرحوم محدث نوری رحمته الله علیه

مرحوم محدث نوری کتابی به نام «فصل الخطاب» دارد که جنجال بسیاری به پا کرد؛ گرچه او در واقع معتقد بود قرآنی که در اختیار مسلمانان هست، هیچ گونه کم و زیادی ندارد، ولی در پی آن بود که با استناد به برخی روایات، مسئله نقصان آنچه در قالب وحی بر رسول خدا نازل شده است را مطرح سازد.^{۱۳} البته سخن وی با اعتراض بزرگان شیعه روبه‌رو شد؛ از جمله امام خمینی رحمته الله علیه حمله علمی شدیدی به ایشان کرده است.^{۱۴} شاید نکته در این باشد که این سخن، علاوه بر ضعف مستند، باعث وارد شدن اتهام تحریف به یک مذهب و پیروان آن است. وقتی یکی از علمای شیعه این گونه بنویسد، چه بسا باعث می‌شود که پیروان این مذهب را در تمام عالم متهم سازند. حال اگر شخصی اشتباهی کرده باشد یا کج سلیقگی به خرج داده باشد، نباید هزینه آن را مذهب و پیروان آن پردازند.

اما روایت‌هایی که اشاره یا تصریح به تحریف دارد، خود، بحث مستقلی است و باید از حیث سند و دلالت درباره آن بحث کرد. البته عموم آن‌ها ضعیف و قابل استناد نیست. جالب است که این گونه روایت‌ها نزد اهل سنت، بیشتر از شیعه است! اهل سنت از عایشه نقل کرده‌اند که آیه رجم و رضاع کبیر روی ورقی نوشته شده و زیر سرم بود. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، مشغول به کار ایشان بودیم که حیوان خانگی آمد و آن را خورد!^{۱۵} برخی بزرگان اهل سنت این روایت را صحیح شمرده‌اند.^{۱۶} همچنین از عمر نیز درباره وجود آیه رجم مطلبی نقل شده است.^{۱۷} یا سیوطی از عایشه روایت کرده که سوره احزاب در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲۰۰ آیه داشت؛^{۱۸} در حالی که این سوره ۷۳ آیه دارد. اگر قرار باشد به استناد روایت‌ها به مذهبی انگ اعتقاد به تحریف قرآن زده شود، این گونه روایت‌ها در کتاب‌های اهل سنت بیشتر است؛ ولی صلاح عمومی مسلمانان این است که متوجه پیامدهای فاسد این عقیده باشند. اگر عده‌ای به شیعه این نسبت را بدهند و عده‌ای به اهل سنت، مسیحیان و یهودیان و امثال ایشان سود خواهند برد. ادیان باطل با خوشحالی اذعان خواهند کرد که خود مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، معتقد به تحریف کتابشان هستند. البته این حرف باطلی است؛ چون هیچ کس از مسلمانان جهان در سلامت این قرآن کریم و مصون بودن آن از هر گونه نقص و زیاده، تردیدی به خود راه نمی‌دهد و به روایات ضعیف اعتنا نمی‌کند؛ برخلاف تورات و انجیل که وقوع تحریف در

آن ثابت شده و وجود نسبت‌های ناروا به پیامبران الهی در آن‌ها، دل هر مؤمنی را می‌آزارد. به هر حال علاوه بر دلیل قرآنی و روایی، عقل سلیم حکم می‌کند که مصلحت عمومی اسلام را در نظر بگیریم و برای دفاع از مقام خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دفاع از اصل دین، به سلامت قرآن از هر گونه تحریفی، چه کاستی و چه فزونی، معتقد باشیم.

۳. مصحف علی علیه السلام چیست؟

مصحف علی علیه السلام همین قرآنی است که اکنون در دست داریم؛ با این تفاوت که ویژگی‌هایی دارد که برای فهم قرآن کریم بسیار کاربردی و راه‌گشاست؛ ولی افسوس که مورد بی‌مهری حاکمان قرار گرفت و ما از آن محرومیم. بی‌تردید که آن ویژگی‌ها، قرائنی به دست می‌دهد که ما را در فهم قرآن بسیار کمک می‌کند. برای روشن‌تر شدن بحث، به این مثال دقت کنید:

امام راحل رحمته الله در مراحل گوناگون نهضت و انقلاب اسلامی ایران، سخنانی گفتند که بعدها همه این فرموده‌ها را تدوین و با نام «صحیفه نور» یا «صحیفه امام» منتشر کردند. هر سخنی، به بخشی از فضای انقلاب گریز و اشاره‌ای دارد. افرادی که در آن زمان بوده‌اند و در متن جریان‌ها بودند و یا وقایع را رصد می‌کردند، با خواندن سخنان ایشان درمی‌یابند که ایشان به کدام ماجرا، یا کدام گروه و یا گروهکی اشاره کرده است؛ مثلاً منظور ایشان چپ‌گراها بوده یا ملی‌گراها؟ یا مثلاً به قضیه بنی‌صدر اشاره می‌کنند یا منافقین؟ نسل بعد با خواندن این سخنان، متوجه این اشاره‌ها نمی‌شوند و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، این مشکل پررنگ‌تر می‌شود. با توجه به این نمونه عینی و معاصر، اهمیت کار امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر آشکار می‌شود: مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام، همه قرینه‌ها و توضیح‌ها را در بر دارد، و مسلم است که آن توضیح‌ها در فهم آیات قرآن کریم دخیل است.

متأسفانه بخشی از قرینه‌ها را از دست داده‌ایم و علت آن، از سویی وجود زمامداران غاصب و تأکید آنان بر اکتفای به متن آیات شریفه و تفسیر نکردن آیات است و از سوی دیگر، سیاست منع تدوین حدیث و سیاست جاهل‌نگه‌داشتن مردم در آن زمان را باید در نظر گرفت. در تاریخ است که معاویه به ابن عباس دستور دارد که قرآن بخوان، اما تأویل و تفسیر نکن! ابن عباس گفت: قرآن بخوانیم و نفهمیم؟! معاویه گفت: بله!^{۱۹}



مشکل اسلام فقط خلافت چندروزه غاصبان نیست؛ بلکه مشکل اصلی، خیانت و جنایت ایشان است که باعث شد که بسیاری از معارف و مطالب علمی و ذخیره‌های الهی از دسترس بشر خارج شود. این مطالب منحصر به یک امت نیست؛ بلکه برای تمام بشر و برای تمام زمان‌ها و مکان‌هاست و مصحف علی علیه السلام یکی از آن ذخیره‌هاست.

۴. ویژگی‌های سخنان ائمه علیهم السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام متصل به گنجینه‌ای بزرگ هستند. برای روشن شدن جایگاه آن گنجینه و همچنین توضیح ویژگی‌های فرموده‌های ایشان به بیان چند ویژگی بسنده می‌کنیم:

الف) ائمه از خود سخن نمی‌گویند

روایتی هست که ابن صفار در «بصائر الدرجات»^{۲۰} نقل کرده است. او به سندش از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «یا جابر، إِنَّا لَوْ كُنَّا نَحْدُثُكُمْ بِرَأْيِنَا وَ هَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ لَكُنَّا نَحْدُثُكُمْ بِأَحَادِيثِ نَكْنِزِهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا يَكْنِزُ هَوْلَاءُ ذَهَبَهُمْ وَ فَضْتَهُمْ»؛^{۲۱} ای جابر! اگر می‌خواستیم بر اساس رأی خود سخن بگوییم، هلاک می‌شدیم؛ ولی با پشتوانه احادیثی که از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذخیره کرده‌ایم، با شما صحبت می‌کنیم؛ همان‌گونه که مردم طلا و نقره خود را ذخیره می‌کنند.

شبه همین روایت است که حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

«یا جابر، لَوْ كُنَّا نَقُتِي النَّاسَ بِرَأْيِنَا وَ هَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ وَ لَكُنَّا نَقْتِيهِمْ بِأَثَارِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ اَصُولِ عَمْدِنَا نَتَوَارِثُهَا كَابِرٍ، عَنْ كَابِرِ نَكْنِزِهَا كَمَا يَكْنِزُ هَوْلَاءُ ذَهَبَهُمْ وَ فَضْتَهُمْ»؛^{۲۲} ای جابر! اگر بر اساس رأیمان فتوا می‌دادیم، هلاک می‌شدیم؛ ولی بر اساس روایات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصولی که هر کدام ما از پیشینیان خود ارث می‌برد، فتوا می‌دهیم؛ اصولی که بزرگی از بزرگی ارث می‌برد (یعنی آن اصول را ذخیره و حفاظت می‌کنیم، همان‌گونه که مردم از طلا و نقره حفاظت می‌کنند). اصول و ریشه‌های علم، همان‌هایی است که بعدها به «اصول اربعه مائة» رسید و به تدوین «کتب اربعه» انجامید و از آن جا به مجامع بزرگ روایی، مانند بحار الانوار و وسائل الشیعه و الوافی رسید.

ب) انتساب احادیث ائمه به خدا و رسول ﷺ

احادیث ائمه اطهار علیهم السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و از آن حضرت به خداوند متعال متصل است و این پشتوانه بسیار مهمی است. نقل و رأی دیگران بدون این استناد ارزش و استحکامی ندارد، و از این رو دیگران چاره‌ای ندارند مگر این که مقابل آثار اهل بیت علیهم السلام سر تسلیم فرود آورند. نقل شده است که وقتی امام باقر علیه السلام شهید شدند، شخصی از مدعیان علم گفت: «شخصی از دنیا رفت که هر گاه روی منبر می نشست، قال رسول الله می گفت و حال آن که پیغمبر را ندیده بود!» حضرت امام باقر علیه السلام هنگام روایت کردن، سند روایت را بیان نمی فرمودند و مثلاً نمی گفتند حدیثی فلان؛ بلکه مستقیم می فرمودند قال رسول الله صلی الله علیه و آله و آن شخص توقع داشت که امام باقر علیه السلام هم مثل دیگر محدثان، سند حدیث را بیان کند. وقتی حضرت امام صادق علیه السلام روی منبر نشستند، فرمودند: «قال الله!»

از این رو برخی پرسشی اساسی مطرح کردند (که این مسئله درباره همه روایات صادر شده از اهل بیت صدق می کند)؛ پرسیدند: سند احادیثی که نقل می فرمایید، چیست؟ و خود ائمه پاسخ می دادند: «از پدرانمان نقل می کنیم و ایشان از رسول خدا و آن بزرگوار از جبرئیل و او از خداوند متعال.»^{۲۳} گفتند: همه احادیث شما را می توانیم این گونه اسناد دهیم؟ فرمودند: آری. این امتیازی بزرگ است که بحمدالله امتیاز شیعه است. امیدواریم خداوند توفیق بهره برداری از این گنجینه‌ها را نصیب همه بفرماید.

ج) امکان انتساب احادیث ایشان به یکدیگر

در کتاب شریف «الکافی»^{۲۴} روایتی است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «حدیثی حدیث اُبی و حدیث اُبی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله تعالی»^{۲۵} حدیث من، حدیث پدرم است، و حدیث پدرم، حدیث پدر بزرگم است، و حدیث پدر بزرگم، حدیث حسین است، و حدیث حسین، حدیث امیر مؤمنان است، و حدیث امیر مؤمنان، حدیث رسول خداست، و حدیث رسول خدا سخن خداست. تمام روایات اهل بیت علیهم السلام این گونه است. بنابراین علم امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خداست. درباره این مطلب روایات بسیاری وارد شده است که مضمون این روایات، اتصال علم ائمه به علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله و بهره‌مندی انواع علوم خاص است.^{۲۶}

۵. کتاب علی علیه السلام چیست؟

کتاب علی علیه السلام مجموعه روایات و مطالبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند و حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام آن‌ها را نوشته‌اند. بنابراین، کتاب علی در اصل، املائی رسول خداست که از جبرئیل گرفته‌اند و جبرئیل از خدا گرفته است و حضرت امیرالمؤمنین آن را نوشته‌اند. پس اگر کتاب را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت دهیم، نسبتی صحیح است؛ چرا که املائی آن بزرگوار است، و اگر به حضرت امیرمؤمنان نسبت دهیم، باز هم نسبتی صحیح است؛ چرا که نگارنده آن، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام است. از این رو در بعضی روایت‌ها این کتاب منسوب به رسول خداست و در بعضی روایت‌ها منسوب به حضرت امیرمؤمنان علیه السلام. مضمون بسیاری از این روایات این است: «ما کتبه علی بن ابی طالب هو عبارة عن ما املاه رسول الله و کتبه علی بیده»؛ [کتاب علی] کتابی است که علی بن ابی طالب آن را به املائی رسول خدا نوشته‌اند.

پیش از بیان ویژگی‌های کتاب علی علیه السلام باید یادآور شویم که کتاب امیرالمؤمنین، یک کتاب نیست؛ از این رو در روایاتی تعبیر «صُحُف» آمده است. صُحُف جمع صحیفه است. ابوارا که می‌گوید: در جایی بودیم و برخی می‌گفتند علی بن ابی طالب شمشیر رسول خدا را ارث برده است. برخی می‌گفتند استر آن حضرت را ارث برده است و برخی معتقد بودند که صحیفه‌ای را ارث برده است که در غلاف شمشیر حضرت رسول بود. در این هنگام حضرت وارد شدند و فرمودند: «وایم الله لو انبسط و یؤذن لی لحدثتکم حتی یحول الحول لا أعید حرفاً و ایم الله ان عندی لصحف کثیرة قطائع رسول الله و اهل بیته ...»؛^{۳۷} به خدا سوگند اگر زمینه فراهم شود و بتوانم با شما سخن بگویم، یک سال صحبت خواهم کرد، بدون آن که مطلبی را تکرار کنم. به خدا سوگند که صحیفه‌های فراوانی از رسول خدا و خاندانش دارم... . سپس حضرت برخی ویژگی‌های آن صحیفه‌ها را بیان کردند.

کتاب‌ها و صحیفه‌های مختلف، حاوی مطالب مختلف است. ممکن است هر مطلبی صحیفه‌ای باشد؛ مثلاً جفر مجموعه‌ای جدا باشد. مهم این است که این گنج، گنج بزرگی است و حضرت از مطالب فراوان موجود در آن این گونه تعبیر آوردند که اگر بخواهم یک سال سخن بگویم، بدون تکرار کردن، سخن خواهم گفت. افسوس که این گنج بزرگ

◆ کتاب علی علیه السلام مجموعه روایات و مطالبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند و حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام آن‌ها را نوشته‌اند. بنابراین، کتاب علی در اصل، املای رسول خداست که از جبرئیل گرفته‌اند و جبرئیل از خدا گرفته است و حضرت امیر المؤمنین آن را نوشته‌اند.

از دسترس ما خارج است و نزد حضرت حجت است؛ و از جمله آن‌هاست کتاب علی علیه السلام.
مطلب مهم دیگر این است که این کتاب به قدری اهمیت دارد که مستند اهل بیت علیهم السلام بوده است که آن بزرگواران همان‌طور که به قرآن مراجعه می‌کردند، به کتاب علی علیه السلام رجوع می‌کردند. در روایتی است که امام فرمودند: «به حکم خدا و حکم داوود و حکم رسول خدا عمل می‌کنیم و اگر مطلبی بود که در کتاب علی نبود، به ما الهام می‌شود».^{۲۸}

۶. ویژگی‌های کتاب علی علیه السلام

اگرچه همه روایات آن در دسترس ما نیست، در جوامع روایی شیعه، روایات بسیاری از این کتاب آمده است و حتی نزد اهل سنت هم احادیثی موجود است. در بخاری و امثال آن، چند روایت از کتاب علی علیه السلام آمده است. از برخی روایات استفاده می‌کنیم که اهل بیت نمی‌خواستند کتاب علی پخش شود؛ چرا که تعبیر «مخبیة عند اهل بیت»^{۲۹} برای این کتاب شده است؛ یعنی نزد اهل بیت مخفی شده و محفوظ است و از موارد ایشان است.

◆ کتاب‌ها و صحیفه‌های مختلف، حاوی مطالب مختلف است. ممکن است هر مطلبی صحیفه‌ای باشد؛ مثلاً جفر مجموعه‌ای جدا باشد. مهم این است که این گنج، گنج بزرگی است و حضرت از مطالب فراوان موجود در آن این‌گونه تعبیر آوردند که اگر بخواهم یک سال سخن بگویم، بدون تکرار کردن حرفی، سخن خواهم گفت. این گنج بزرگ از دسترس ما خارج است و نزد حضرت حجت است؛ و از جمله آن‌هاست کتاب علی علیه السلام.

روایاتی از این کتاب در کتاب‌های روایی و فقهی و غیر فقهی موجود است که ما همه آن‌ها را در یک کتاب بنام «المروی من کتاب علی» گرد آورده‌ایم.^{۳۰} در بسیاری ابواب فقه، از کتاب الطهاره تا کتاب الديات، احادیثی پراکنده از این کتاب شریف آمده است؛ مثلاً در «وسائل الشیعه» پس از نقل روایتی آمده است: «کذا فی کتاب علی». در مستدرک مرحوم نوری یا کتاب گران سنگ



«جامع احادیث الشیعه» روایاتی از این کتاب شریف به‌طور پراکنده موجود است. در غیر مباحث فقهی، همچون تفسیر آیات، بیان تاریخ، بحث‌های اخلاقی و... نیز روایاتی از این کتاب شریف نقل شده است. بنابراین، خوشبختانه روایات بسیاری از کتاب علی در دست است و حتی در منابع اهل سنت هم وجود دارد.

در باره نقل از کتاب علی علیه السلام از امیرالمؤمنین تا امام رضا علیه السلام احادیثی در دست است؛ البته نه به این معنا که از ائمه پس از امام رضا علیه السلام روایتی نرسیده باشد؛ بلکه منظور این است که در دست ما نیست. آنچه در تاریخ و روایات خوانده‌ایم، این است که تا زمان امام رضا علیه السلام گاهی خود ائمه از کتاب علی علیه السلام مطالبی نقل می‌کردند.

خوشبختانه روایت مفصلی از این کتاب در دسترس است که مرحوم شیخ صدوق در ابتدای جلد سوم کتاب «من لایحضره الفقیه» و همچنین در مجلس شصت و ششم املی خود، آن را آورده است. حدیث مناهی^{۳۱} را که ضمن بحث‌های فقهی می‌بینیم، برگرفته از کتاب علی است. برخی از علمای شیعه تصریح کرده‌اند که کتاب علی علیه السلام نخستین کتاب در تاریخ اسلام است. شهید میرزا علی آقای ثقة الاسلام، مؤلف کتاب «مرآة الکتب» و ترورشده به دست روس‌ها در تبریز، بحث مفصلی درباره کتاب علی علیه السلام بیان کرده و تصدیق می‌کند که اولین کتاب تاریخ اسلام، این کتاب شریف است. وی نوشته است که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله کتاب علی و کتاب جامعه نوشته شد.^{۳۲}

مرحوم آیت‌الله سید محسن امین عاملی، صاحب کتاب «اعیان الشیعه»^{۳۳} درباره ویژگی‌های ظاهری کتاب علی علیه السلام با استناد به روایات نوشته است که طولش هفتاد ذراع^{۳۴} است. بنابراین کتاب علی علیه السلام حدود ۳۵ متر طول دارد؛ چراکه سابقاً مطالب را بر روی پوست می‌نوشتند و سپس آن را به حالت نامه پیچانده و جمع می‌کردند. مطالب آن، املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که امیرالمؤمنین علیه السلام بر روی جلد (پوست) نوشته بودند. رسم آن زمان این بود که کتاب یا نامه را روی پوست می‌نوشتند و پوست‌ها را به هم می‌دوختند. اندازه این پوست‌های به هم دوخته شده ۷۰ ذراع بود. مرحوم سید محسن امین در ادامه می‌نویسد: «و هی أول کتاب جمع فیہ العلم علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله»؛^{۳۵} کتاب علی علیه السلام، نخستین کتاب علمی دوره رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. مرحوم آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» از این کتاب، با تعبیر «املی سیدنا

و نبینا ابی القاسم رسول الله ﷺ یاد می کند و می نویسد:
 أملاه على أمير المؤمنين و هو كتبه بخطه الشريف،
 هذا أول كتاب كتب في الإسلام من كلام البشر من
 أملاء النبي و خط الوصي، والنسخة التامة منه مذكورة
 عند الحجّة المنتظر كسائر موارث الأنبياء ورثها عن
 آبائه الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين.. وقطعة من
 هذا الامالي موجودة بعينها حتى اليوم في كتب الشيعة
 وذلك من فضل الله تعالى أوردها الشيخ أبو جعفر بن
 بابويه الصدوق في المجلس السادس والستين من
 كتاب أماليه و هي مشتملة على كثير من الآداب و
 السنن و أحكام الحلال و الحرام... و نحن نحمد الله
 تعالى على تداول هذه القطعة منه بأيدينا و نسأله
 توفيق زيارة تمامه بزيارة من هو مذكور عنده؛^{۳۶}

كتاب على املاى رسول الله ﷺ بر آن بزرگوار
 است و این کتاب به خط شریف امیرالمؤمنین علیه السلام
 است. این کتاب، نخستین کتاب جمع آوری شده
 در اسلام است. همه آن کتاب نزد حضرت
 حجت علیه السلام است؛ همان گونه که وی بقیه موارث
 انبیا را از پدرانش به ارث برده است. به فضل الهی،
 بخشی از این املاها نزد شیعه موجود است و شیخ
 صدوق آن را در مجلس شصت و ششم امالی ذکر
 کرده است. خداوند چشمان ما را به دیدار این
 کتاب با دیدار کسی که این کتاب نزد اوست،
 روشن سازد.

با تطبیق دادن دو روایت، در دو کتاب الفقیه و امالی،
 درمی یابیم که اگرچه از حیث سند یکی است، اما
 تفاوت های اندکی میان آنها وجود دارد.

◆ درباره نقل از کتاب
 علی علیه السلام از امیرالمؤمنین
 تا امام رضا علیه السلام احادیثی در
 دست است؛ البته نه به
 این معنا که از ائمه پس از
 امام رضا علیه السلام روایتی نرسیده
 باشد؛ بلکه منظور این است
 که در دست ما نیست.
 آنچه در تاریخ و روایات
 خوانده ایم، این است که تا
 زمان امام رضا علیه السلام گاهی خود
 ائمه از کتاب علی علیه السلام مطالبی
 نقل می کردند.

۷. آیا همه روایات کتاب علی علیه السلام صحیح است؟

اصل کتاب علی علیه السلام در دسترس ما نیست و در صحت روایات اصل آن کتاب که امروز نزد حضرت حجت علیه السلام است، جای شک و شبهه نیست. آنچه امروز داریم، روایاتی است که از آن کتاب نقل و در کتاب‌های مختلف و در ابواب گوناگون پراکنده شده است. در بعضی از این روایات، از حیث سند یا دلالت می‌توان خدشه کرد. برخی علما از جمله شیخ طوسی در کتاب «الاستبصار» در روایتی از این کتاب شک می‌کند و آن را متروک به واسطه اجماع از ناحیه شیعه می‌داند.^{۳۷} نیز ممکن است روایاتی از آن، حمل بر تقیه شود. البته بسیاری از روایات آن را با توجه به «تسامح در ادله سنن»^{۳۸} و همچنین عمل اصحاب و شهرت می‌توان پذیرفت؛ ولی باید توجه داشت که فقیه با این روایات، مثل سایر روایات برخورد می‌کند: گاهی می‌توان مسئله را حل کرد و فتواداد و گاهی باید توقف کرد. پس نمی‌توانیم روایات منسوب به این کتاب را صددرصد صحیح و معتبر بدانیم؛ بلکه این روایات پیرو قوانین و قواعدی است که در فن رجال و درایه آمده و دقت دلالتی و سندی خاص خود را می‌طلبد.

۸. چه کسانی کتاب علی علیه السلام را دیده‌اند؟

ام سلمه، بهترین همسر پیامبر بعد از خدیجه علیها السلام چندین بار این کتاب را در اختیار داشت. وقتی امیر المؤمنین علیه السلام در قضیه جنگ جمل، خواستند به بصره و کوفه بروند، کتاب را نزد ام سلمه گذاشتند. کتاب نزد وی بود تا حضرت امیر مؤمنان شهید شدند و امام حسن علیه السلام به مدینه آمدند و در آن هنگام، کتاب را به امام تحویل دادند. شهرین حوشب این ماجرا را چنین نقل می‌کند: «أَنَّ عَلِيًّا جِئَ سَارٌ إِلَى الْكُوفَةِ اسْتَدْعَى أُمَّ سَلْمَةَ كَتَبَهُ وَالْوَصِيَّةَ فَلَمَّا رَجَعَ الْحَسَنُ دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ»^{۳۹} وقتی هم که حضرت سیدالشهدا علیه السلام عازم کربلا شدند، کتاب را نزد ام سلمه گذاشتند^{۴۰} و هنگامی که کاروان حسینی پس از جریان اسارت به مدینه بازگشت، وی امانت را به امام زین العابدین علیه السلام بازگرداند. از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که مدتی هم این کتاب نزد فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام بود.^{۴۱}

ابن عباس هم از توفیق دیدن کتاب علی علیه السلام و یا قسمتی از آن سخن می‌گوید: «دَخَلْتُ عَلِيَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي قَارٍ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ صَحِيفَةً وَقَالَ لِي يَا بَنَ عَبَّاسِ هَذِهِ صَحِيفَةُ أَمْلَاهَا عَلِيٌّ رَسُولُ اللَّهِ وَخَطُّي بَيْدِي»^{۴۲} در ذی‌قار (از استان‌های عراق) خدمت علی علیه السلام رسیدم؛ صحیفه‌ای بر من

گشود و فرمود: ای ابن عباس! این صحیفه‌ای است که رسول خدا ﷺ بر من املا کرد و من با دستانم نوشتم. طبرانی در «المعجم الاوسط» و دارقطنی در سنن روایت می‌کنند که مالک اشتر از توفیق دیدن این کتاب این گونه سخن گفته است: «دخلتُ علی بن ابی طالب فقلت یا امیر المؤمنین إنا إذا خرجنا من عندک سمعنا احادیث...»؛

روزی خدمت امام علی علیه السلام رسیدم و عرض کردم: یا امیر المؤمنین! وقتی در محضر شما نیستم، بعضی احادیث را از قول شما نقل می‌کنند که ما از خودتان نشنیده‌ایم. آیا پیامبر به غیر قرآن کتاب دیگری نزد شما به ودیعه نهاده‌اند؟ امام فرمود: نه، مگر همین صحیفه را. سپس به کنیزشان دستور دادند تا صحیفه را آورد؛ دیدم ...^{۴۳}

ائمه علیهم السلام این کتاب را به برخی یاران خاصشان نشان داده‌اند؛ مثلاً زراره این کتاب را مطالعه کرده است. از احادیث استفاده می‌کنیم که وی صحیفه فرائض را که به خط امیر المؤمنین علیه السلام است، مشاهده کرد.^{۴۴} ابوبصیر

هم مشمول این عنایت شد؛ آن‌جا که از این توفیق خبر می‌دهد و می‌گوید: «أخرج إلینا ابو جعفر علیه السلام صحیفه فیها الحلال و الحرام و الفرائض، قلت: ما هذه؟ قال: هذه املاها رسول الله ﷺ و خط علی علیه السلام بیده، إلی أن قال: هی الجامعة أو من الجامعة»؛ امام باقر علیه السلام صحیفه‌ای بر من گشود که در آن حلال و حرام و واجبات بود. از امام پرسیدم: این چیست؟ فرمود: این املائی پیامبر است که با دست خط علی علیه السلام نگارش یافته ... همانا جامعه است، یا بخشی از آن جامعه است.^{۴۵}

اصل کتاب علی در دسترس ما نیست و در صحت روایات اصل آن کتاب که امروز نزد حضرت حجت است، جای شک و شبهه نیست. آنچه امروز داریم، روایاتی است که از آن کتاب نقل و در کتاب‌های مختلف و در ابواب گوناگون پراکنده شده است.

ام‌سلمه، بهترین همسر پیامبر بعد از خدیجه علیها السلام بارها این کتاب را در اختیار داشت. وقتی امیر المؤمنین علیه السلام در قضیه جنگ جمل، خواستند به بصره و کوفه بروند، کتاب را نزد ام‌سلمه گذاشتند. کتاب نزد وی بود تا حضرت امیرمؤمنان شهید شدند و امام حسن علیه السلام به مدینه آمدند و در آن هنگام، کتاب را به امام تحویل دادند.

۹. کتاب علی علیه السلام و تفاوت آن با چند صحیفه و کتاب دیگر

پیش از این درباره کتاب و مصحف علی علیه السلام و تفاوت این دو با هم مطالبی گفتیم. اینک درباره کتاب علی علیه السلام و ارتباط آن با دیگر صحیفه‌ها به نکته‌هایی اشاره می‌کنیم:

۱. اگرچه واژه «مصحف» در مصحف علی و مصحف فاطمه علیها السلام وجود دارد، اما از حیث موضوع دو کتاب متفاوتند. مصحف علی علیه السلام در واقع همان قرآن است و مصحف فاطمه، قرآن نیست و به تصریح روایات، یک آیه از قرآن در آن نیامده است. آنچه در مصحف فاطمه علیها السلام است، اخبار غیبی و حوادث آینده است و البته نویسنده هر دو، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۲. می‌توان کتاب علی علیه السلام و کتاب جامعه را یکی دانست. در روایات آمده است: «کذا فی صحیفه علی یا کذا فی الجامعة یا عندنا الجامعة یا کذا فی کتاب علی». ظاهراً این‌ها عنوان‌های یک مَعْنَوَن هستند و همه، اشاره به کتابی دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوشتند. مرحوم آقابزرگ تهرانی عبارتی دارد که گویا خواسته است میان کتاب علی و کتاب جامعه و کتاب جعفر تفاوت بگذارد:

فظهر مما مر أنّ الأمالی هذا... هو غیر الجفر و الجامعة و الصحیفه الملقوفه التي طولها سبعون ذراعاً.. و امثال ذلك من التعبيرات في احاديث أهل البيت و إنّ كان الجميع من املاء النبي و خط الوصيّ الموجود عند خلفه المنتظر؛^{۴۶} با توجه به مطالب پیشین، روشن شد که ... آن امالی (کتاب علی) غیر از جعفر و جامعه و صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع بوده است... گرچه همه آن‌ها املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده که وصی او [امیرمؤمنان علی] آن را نوشته و [اکنون] در نزد جانشین منتظر اوست.

ولی با توجه به مجموعه روایات، به این نتیجه رسیده‌ایم که همه این عنوان‌ها، اشاره به یک کتاب است. مرحوم سید محسن امین عاملی هم به همین مطلب تصریح کرده و می‌گوید: از مؤلفات امیرالمؤمنین، کتاب جامعه است و کتاب جامعه با کتاب علی یکی است؛^{۴۷} آن‌جا که می‌نویسد:

والظاهر أنّها هي المعبر عنها في جملة من الأخبار الآتية بكتاب علي علیه السلام، وبالكتاب الذي باملاء النبي صلی الله علیه و آله و سلم و خط علي علیه السلام و بكتاب علي علیه السلام الذي هو سبعون ذراعاً، و بالصحيفة

التي طولها سبعون ذراعاً، و بالصحيفة التي فيها ما يحتاج إليه حتى ارش الخدش، و بالصحيفة العتيقة من صحف علي و شبه ذلك؛^{۴۸}

و ظاهر آن است که جامعه همان است که در پاره‌ای روایات از آن به این نام‌ها یاد شده است: کتاب علی یا کتابی که به املائی رسول خدا و خط علی یا کتاب و صحیفه‌ای که هفتاد ذراع دارد یا صحیفه‌ای که هرچه بدان نیاز است، گرچه بسیار کم‌اهمیت باشد مثل ارش خدش، در آن است یا صحیفه قدیمی از کتاب‌های علی یا امثال آن.

با توجه به روایات می‌توان درباره صحیفه فرائض یا صحیفه ارث این‌گونه تعبیر آورد که بخشی از کتاب علی علیه السلام است؛ چراکه کتاب علی ابواب مختلفی دارد و یکی از آن ابواب، بحث فرائض است.

می‌توان کتاب علی علیه السلام و کتاب جامعه را یکی دانست. در روایات آمده است: «كذا في صحيفة علي يا كذا في الجامعة يا عندنا الجامعة يا كذا في كتاب علي». ظاهراً این‌ها عنوان‌های یک مَعْنُون هستند و همه، اشاره به کتابی دارد که امیرالمؤمنین آن را به املائی رسول‌خدا نوشتند.

۳. با توجه به متن برخی روایات هم می‌توان این‌گونه گفت که کتاب جفر، غیر از کتاب علی علیه السلام است. در روایتی می‌فرمایند: «عندنا الجامعة... و عندنا الجفر»؛^{۴۹} نزد ما جامعه است... و نزد ما جفر است. عطف در مغایرت ظهور دارد و می‌توان از این‌گونه استعمال، استفاده کنیم که دو کتاب هستند. گذشته از آن که ویژگی‌های کتاب علی علیه السلام، همچون هفتاد ذراع بودن آن، درباره کتاب جفر نیامده است؛ بلکه تصریح هم شده است که در آن آیه‌ای از قرآن کریم نیست^{۵۰} و این سخن در حق کتاب علی علیه السلام جاری نیست. گرچه این احتمال هم داده می‌شود که جفر کتابی است اعم از کتاب علی؛ به گونه‌ای که شامل کتاب علی نیز می‌شود؛ ولی این احتمال ضعیفی است و در مجموع باید توجه داشت که نمی‌توان قضاوت نهایی کرد و این‌ها در حد احتمالاتی است که می‌توانیم با توجه به روایات بیان کنیم.

۴. با توجه به روایات می‌توان درباره صحیفه فرائض یا صحیفه ارث این گونه تعبیر آورد که بخشی از کتاب علی علیه السلام است؛ چراکه کتاب علی ابواب مختلفی دارد و یکی از آن ابواب، بحث فرائض است. میرزا علی آقای ثقة الاسلام، نویسنده کتاب «مرآة الکتب» می‌نویسد: کتاب‌هایی که در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته شد، عبارتند از: کتاب علی، جامعه (اگر نگوییم که همان کتاب علی است)، کتاب دیات و کتاب فرائض (اگر نگوییم که آن دو، بخشی از کتاب علی است)»^{۵۱}

۵. آنچه در همه کتاب‌ها و صحیفه‌ها، غیر از مصحف فاطمه علیها السلام، مشترک است، این است که به املائی رسول خدا و خط امیرالمؤمنین است. مصحف فاطمه در فاصله ۷۵ روز تدوین شد و در این مدت، فاطمه زهرا علیها السلام محدثه و مخاطب جبرئیل بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام نویسنده بودند و حضرت زهرا علیها السلام املاکننده. این مطلبی است که در کتاب کافی هم آمده است.^{۵۲} امام بزرگوار روی این نکته تکیه فرمودند و آن را بزرگ‌ترین فضیلت برای آن حضرت می‌دانستند.^{۵۳}

پی‌نوشت‌ها:

۱. حجر، آیه ۹.
۲. مثل نسبت شراب‌خوری به حضرت نوح علیه السلام (کتاب مقدس، عهد قدیم، ص ۱۲؛ سفر پیدایش، باب ۹، ش ۲۱) و نسبت شراب‌خوری و زنا با محارم به حضرت لوط علیه السلام (کتاب مقدس، عهد قدیم، ص ۲۵ و ۲۶، سفر پیدایش، باب ۱۹، ش ۳۰ تا ۳۶)؛ همچنین، ماجرای کشتی گرفتن یعقوب با خدا (کتاب مقدس، عهد قدیم، ص ۵۰، سفر پیدایش، باب ۳۳، ش ۲۴ تا ۳۱).
۳. ر.ک: محمدرضا طبسی نجفی، دروس فی النصرانیة، ترجمه: جعفرالهادی، ص ۱۱۰-۱۱۶.
۴. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، ص ۱، باب اول، ش ۱۷.
۵. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، ص ۹۳، باب سوم، ش ۲۴ تا ۳۱.
۶. سبأ، آیه ۲۸.
۷. انبیاء، آیه ۱۰۷.
۸. شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۷؛ طبری، بشارة المصطفی، ص ۸۵، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۱۶.
۹. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷: باب الشرائع، ح ۱.
۱۰. بخاری، الصحيح، ج ۱، ص ۸۵: باب التیمم و ص ۱۱۳: باب فضل استقبال القبلة.
۱۱. ر.ک: جعفر سبحانی، مفاهیم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۰.
۱۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۳۵.
۱۳. ر.ک: آقابزرگ تهرانی، الدررعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۳۱، ش ۹۱۲.



۱۴. ر.ک: امام خمینی، انوار الهدایه فی التعلیق علی الکفایه، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۴۵، حجیه الظهور.
۱۵. ابن حزم اندلسی، المحلی، ج ۱۱، ص ۲۳۵؛ ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۰۹، ح ۱۹۴۴.
۱۶. المحلی، ج ۱۱، ص ۲۳۵.
۱۷. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۶: باب رجم الثیب فی الزنی.
۱۸. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۸۰.
۱۹. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۲؛ ر.ک: سلیم بن قیس، ص ۳۱۵.
۲۰. کتابی است درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام. مؤلف آن متوفای ۲۹۰ ق است.
۲۱. محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۱۹۹: باب ۱۴، ح ۱.
۲۲. بصائر الدرجات: باب فی الأئمه عندهم اصول العلم، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.
۲۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۴.
۲۴. زینده است کتاب کافی یک دوره در حوزه تدریس شود و جشن ختم این کتاب برپا گردد.
۲۵. کافی، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۴.
۲۶. از جمله آن هاست: امام صادق علیه السلام: «إنا أهل بیت عندنا معاقل العلم و آثار النبوة و علم الكتاب و فصل ما بین الناس». بصائر الدرجات، ص ۳۶۵، ح ۱۳؛ حضرت امیر مؤمنان علیه السلام: «إن رسول الله علمنی الف باب من الحلال و الحرام یفتح کل باب الف باب حتی علمت علم المنايا و الوصایا و فصل الخطاب». الاختصاص، ص ۳۰۵.
۲۷. بصائر الدرجات، ص ۱۴۹.
۲۸. بصائر الدرجات، ص ۴۵۲، ح ۶.
۲۹. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۴، ح ۵۶.
۳۰. ر.ک: محمد امین الأمینی، المروی من کتاب علی علیه السلام، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، دار جواد الائمه، بیروت، لبنان.
۳۱. روایاتی داریم که مضمون آن ها چنین است: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را از انجام دادن این کارها نهی فرموده و باز داشته است. از آن ها به حدیث مناهی یاد می شود که تفصیل آن را شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳ و الأمالی، ص ۵۰۹، مجلس ۶۶، ح ۷۰۷ آورده است.
۳۲. میرزا آقا ثقة الاسلام خراسانی تبریزی، مرآت الکتب، ج ۱، ص ۴۰.
۳۳. مثل مشهوری است که «عدو شود سب خیر اگر خدا خواهد.» دشمنان با طعنه زدن به شیعه و انتشار این مطلب که شیعیان در فقه تفریح ندارند و با حذف سند حدیث، حدیث را فتوا قرار می دهند، سب شدند که شخصیتی همچون مرحوم شیخ طوسی کتاب «مبسوط» را بنگارد و در ابتدای کتاب هم علت نگارش را همین اعتراض دشمنان گفته است. باید توجه داشت که شیعه به علت دسترسی به معصومان علیهم السلام حدود سه قرن دیرتر احساس نیاز کرد و تا آن زمان، فقه مأثور میان شیعه رواج داشت و شهرت قداما

هم به علت کتاب‌های فتوایی ایشان است که عین روایت با حذف سند است. کتاب‌هایی همچون مقنع و هدایة شیخ صدوق و نهایتة شیخ طوسی از این گونه است. هنگام برپا شدن این هجمه، مرحوم سید محسن امین و مرحوم آقابزرگ تهرانی و مرحوم آقا سید حسن صدر برای دفاع از تشیع، هم‌زمان، نهضتی بزرگ و علمی فرهنگی برپا کردند و سه کار بزرگ با هم آغاز شد: مرحوم آقابزرگ تهرانی «الذریعة الی تصانیف الشیعة» را نوشت. ایشان در پی نوشتن فهرستی از کتاب‌های شیعه بود و طبق تصریح خود ایشان، کتاب‌های جمع‌آوری شده در الذریعة تا ۱۳۷۰ ق است و اگر کتاب‌های پنجاه و چهار سال اخیر هم به آن اضافه شود، از ۲۹ جلد به بیش از ۴۰ جلد می‌رسد. هم‌زمان، مرحوم سید محسن امین که قبرش در دالان صحن حضرت زینب علیها السلام در شام است، کتاب «اعیان الشیعة» را نوشت که چاپ فعلی آن، با توجه به خط و قطع آن ۱۱ جلد است که پسر ایشان، آقای سید حسن امین، برای این کتاب مستدرکی در چند جلد نوشتند و چاپ شد. مرحوم سید حسن صدر که از بزرگان کاظمین و از خاندان صدر است، «تأسیس الشیعة» و «الشیعة و فنون الاسلام» را نوشت و نقش علمای شیعه را در پی‌ریزی علوم مختلف بررسی و ثابت کرد. تأسیس الشیعه اگرچه کتاب کوچکی است، اما بسیار تأثیرگذار و پرمحتواست. هر سه نفر خدمت بزرگی برای تشیع انجام دادند. خدا ایشان را غریق رحمت خویش کند.

۳۴. ذراع، فاصله سر انگشتان تا آرنج است؛ یعنی حدود نیم‌متر.

۳۵. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۹۳.

۳۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳۷. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۱۶۰؛ باب ۹۶، میراث الجد مع کلاله الام، ح ۸.

۳۸. ر. ک: محمدیوسف حریری، فرهنگ اصطلاحات حدیث، ص ۹.

۳۹. الکافی، ج ۱، ص ۲۹۸.

۴۰. بصائر الدرجات، ص ۱۶۲، ح ۱.

۴۱. همان، ص ۱۶۸، ح ۲۴.

۴۲. کتاب سلیم بن قیس، ص ۹۱۵، ح ۶۶.

۴۳. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۲۶۶، ح ۵۲۷۷؛ سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۹۸، ح ۶۱.

۴۴. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۱۱۸.

۴۵. همان، ج ۹، ص ۲۹۴، ح ۱۰۵۳.

۴۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴۷. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۹۴.

۴۸. همان.

۴۹. بصائر الدرجات، ص ۱۵۳، ح ۶.

۵۰. بصائر الدرجات، ص ۱۵۷، ح ۱۹.

۵۱. مرآة الکتب، ج ۱، ص ۴۰.

۵۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵.

۵۳. متن سخنان ایشان این است: «من راجع به حضرت صدیقه علیها السلام خودم را قاصر می دانم که ذکر می کنم. فقط اکتفا می کنم به یک روایت که در کافی شریف است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق علیه السلام می فرماید: فاطمه علیها السلام بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند. در این دنیا بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد و مسائلی از آینده نقل می کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مراده ای بوده است؛ یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیای عظام درباره کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین رفت و آمد داشته است و مسائلی را در آتیه ای که واقع می شده است، مسائل را ذکر کرده است و آنچه به ذریه او می رسیده است در آتیه، ذکر کرده است و حضرت امیر هم آن ها را نوشته است؛ کاتب وحی بوده است حضرت امیر؛ همان طوری که کاتب وحی رسول خدا بوده است و البته آن وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم. کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز بوده است. مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید. این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است. چه ما قائل بشویم به این که قضیه تنزیل، تنزل جبرئیل، به واسطه روح اعظم خود این ولی است یا پیغمبر است. او تنزیل می دهد او را و وارد می کند تا مرتبه پایین با بگوئیم که خیر، حق تعالی او را مأمور می کند که برو و این مسائل را بگو. چه آن قسم بگوئیم که بعضی اهل نظر می گویند و چه این قسم بگوئیم که بعضی اهل ظاهر می گویند، تا تناسب مابین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد، امکان ندارد این معنا، و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه اول بوده است، مثل رسول خدا و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال این ها، بین همه کس نبوده است. بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی درباره ائمه هم من ندیده ام که وارد شده باشد این طور که جبرئیل بر آن ها نازل شده باشد. فقط این است که برای حضرت زهرا علیها السلام است که آن که من دیده ام که جبرئیل به طور مکرر در این ۷۵ روز وارد می شده و مسائل آتیه ای که بر ذریه او می گذشته است، آن مسائل را می گفته است و حضرت امیر هم ثبت می کرده است و شاید یکی از مسائلی که گفته است، راجع به مسائلی است که در عهد ذریه بلند پایه او حضرت صاحب علیه السلام است، برای او ذکر کرده است که مسائل ایران جزو آن مسائل باشد. ما نمی دانیم، ممکن است. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اند، با این که آن ها هم فضایل بزرگی است، این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر انبیا آن هم نه همه انبیا، برای طبقه بالای انبیا و بعضی از اولیایی که در رتبه آن ها هست، برای کس دیگر حاصل نشده. و با این تعبیری که مراده داشته است جبرئیل در این هفتاد و چند روز، برای هیچ کس تاکنون واقع نشده و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه علیها السلام است.» صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۸ و ۲۸۸؛ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴.